

چشم‌انداز، موقعیت و پروژه سیاسی ما

(سند مصوب شماره یک)

فاصله دو کنگره، تحولات جامعه ایران تداوم روندهای پس از دوم خرداد بود. در این دوره مبارزات مردم با حکومت برای بهبود شرایط زندگی و کسب خواسته‌های خود با جهتگیری مستقل از پیش تداوم یافت. درگیری جناحها نیز با پیشروی جناح خامنه‌ای و عقب نشینی بیوقفه جناح اصلاح‌طلبان ادامه یافت. در این دوره بحرانهای موجود در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیقتر شد.

طی پنج سال گذشته اصلاح‌طلبان حکومتی از تحقق مقاصد خود ناکام مانده و به وعده‌های خود در قبال مردم عمل نکردند. این جریان با موانع ساختاری در درون حکومت روبرو گردید. "مردمسالاری دینی" که بیانگر مضمون اصلاحات مورد نظر اصلاح‌طلبان حکومتی بود، ناممکن بودن خود را در عمل به نمایش گذاشت و تسلط ارگانهای مذهبی و غیرانتفاعی بر اهرمهای اصلی قدرت و تحکیم موقعیت این ارگانها، چه در قانون اساسی و چه در ساختار حکومت، عملاً هر اقدام اصلاح‌طلبانه در چارچوب این نظام را ناممکن ساخته است.

چشم‌انداز

بن‌بست سیاسی اصلاح‌طلبان حکومتی و چیرگی جناح خامنه‌ای، طبعاً مبارزات مردم را نسبت به چند سال قبل با دشواریهای بیشتری روبرو خواهد کرد.

جنبشهای اجتماعی اصلاح‌طلبانه که ریشه در نارضایتی مردم و خواست آنها برای تغییر اوضاع دارند، تداوم یافته و با عبور از رهبری اصلاح‌طلبان حکومتی، راههای جدیدی را به روی خود می‌گشایند. حرکت‌های اعتراضی اقصای گوناگون و جنبشهای مردمی برای بهبود وضعیت و ایجاد تغییرات، برچیدن نظام استبداد دینی و استقرار آزادیهای دموکراتیک به وسیعترین شکل ممکن و عدالت اجتماعی را در چشم‌انداز خود دارد.

- زنان که با بی‌حقوقی به معنای واقعی کلمه دست و پنجه نرم کرده و تبعیض قانونی حاکم بر سرنوشت اجتماعی و انسانی‌شان را با گوشت و پوست لمس می‌کنند، نیرویی پیشتاز در جنبشهای جاری برای تأمین حقوق اولیه آحاد جامعه بشمار می‌آیند و در آینده نیز نقش بسیار مهمی را در تحولات اجتماعی ایفاء خواهند نمود.

- روشنفکران و اندیشمندان جامعه، روزنامه‌نگاران و هنرمندان که بیش از همه از سلطه حکومت سانسور مذهبی و سیاسی رنج می‌برند به رغم همه قتلها و تهدیدها و زندانها و ممنوعیتها، پرچم دار دفاع از آزادی بیان و اندیشه هستند.

- کارگران و زحمتکشان جامعه که هر روز بیش از روز پیش در ورطه فقر و بیکاری و بی‌چشم‌اندازی فرو می‌روند، مبارزات خود را در دفاع از حق کار و حیات همچنان ادامه خواهند داد.

- مبارزات ملت‌های ساکن ایران که جز سرکوب خواسته‌های دموکراتیکشان تجربه دیگری از جمهوری اسلامی ندارند به اشکال گوناگون ادامه خواهد یافت.

- جنبش جوانان همچنان در حال گسترش است. سرنوشت جمهوری اسلامی را بیش از همه، نسل جدیدی هم خواهد نوردید که در قفس همین حکومت پرورش

یافته و هم اکنون در تقالای شکستن حلقه‌های زنجیریست که دور او تنیده شده است. جنبش دانشجویی به عنوان جلوه بارزی از حضور این نیرو، علیرغم سیاست سرکوب و فشار از سوی ارتجاع، همچنان یکی از قویترین جنبشهای اجتماعی خواهد بود.

- خانواده‌های قربانیان رژیم و زندانیان سیاسی همچنان به تلاشها و مبارزاتشان ادامه خواهند داد.

اصلاح‌طلبان حکومتی و نیروهای پیرامونی آنها در تلاش برای خروج از بن‌بست کنونی، دو راهکار متفاوت را در پیش گرفته‌اند. اغلب آنها با تأکید بر شعار "قانونگرایی" و ادامهٔ سیاست‌هایی چون "آرامش فعال" و "بازدارندگی فعال" به دنبال تداوم بقای خود در حکومت هستند. این گروه همچنان تلاش اصلی خود را معطوف به توافق با جناح خامنه‌ای ساخته است.

بخش دیگری از اصلاح‌طلبان حکومتی با انتقاداتی به سیاست‌های تاکنونی جبههٔ دوم خرداد، گرایش رادیکالتری از خود بروز داده و همچنان خواستار تحقق شعارهای دوم خردادی می‌باشند. با این حال این نیرو همچنان در چارچوب این نظام خود را تعریف می‌کند و همچنان اصرار دارد تا اصلاحات مورد نظر خود را در چارچوب این نظام پیش برد. موانع تاکنونی که بر سر راه تحولات اصلاحی همچنان باقیست و چشم‌اندازی برای موفقیت این سیاست به دست نمی‌دهد.

در مقابل، جناح خامنه‌ای سیاست محدود کردن هرچه بیشتر جنبش اصلاح‌طلبی و خالی کردن آن از محتوا را دنبال می‌کند. همزمان، هدف این جناح، حذف اصلاح‌طلبان از حکومت و یکدست کردن آن می‌باشد. با تشدید فشار به مردم، با جنبش توده‌ها مقابله کرده و سیاست سرکوب مردم را با مماشات و توافق ضمنی اصلاح‌طلبان دنبال می‌کند.

تداوم بحرانهای اقتصادی - اجتماعی، رشد بیکاری و گرانی سرسام‌آور، کاهش قدرت خرید، سطح دستمزدها و عقب افتادن حقوق ماهانه، اخراجها، رکود اقتصادی، فساد مالی، رانت‌خواری، سوءمدیریت، اعتیاد، فحشاء، نبود تأمین اجتماعی و کمبود خدمات عمومی و ناهنجاریهای اجتماعی دیگر، شرایط زیستی مردم را وحشتناکتر نموده و هر روز تعداد بیشتری از کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار اجتماعی را به زیر خط فقر و از آن طرف به مبارزه می‌کشاند. این وضعیت همراه با تشدید سرکوب و فشار، بیش از پیش مردم را به چاره‌جویی و سمت و سو دادن حرکت‌های اعتراضی‌شان برای مقابله با تهاجم رژیم و کسب خواسته‌های خود وامی‌دارد.

در حال حاضر، ضعف بزرگ جنبش مردم فقدان آلترناتیو دموکراتیک و مورد اعتماد اکثریت آنهاست. در داخل حکومت، اگرچه هنوز جناحی از اصلاح‌طلبان سعی می‌کند خود را در شکل آلترناتیو حفظ کند ولی اصرار آنها بر حفظ چارچوب نظام، نهایتاً اصرار بر ادامهٔ راهی است که طی پنج سال گذشته مردم تجربه کرده‌اند. و جناح کارگزاران نیز با توجه به بن‌بست کنونی اصلاح‌طلبان، خود را به تدریج از این جمع جدا کرده و می‌کوشد تا به اعتبار موقعیت خود، نقش داهیان‌ای را بین دو جناح حکومتی بازی کرده و خود را محلل بحران کنونی نشان دهد.

در بیرون از حکومت نیز کوشش برخی از گرایش‌های ملی (مذهبی در شکل‌گیری نیروی سوم، تاکنون ناموفق بوده و گرایش جدیدی در میان این نیروها برای رسیدن به توافقاتی با جناح خامنه‌ای، کوشش‌هایی را آغاز کرده است.

سلطنت‌طلبان با حمایت فعال جناح‌هایی از دولت آمریکا، بویژه پس از ۱۱ سپتامبر، فعال شده و سعی دارند تا در خلاء موجود خود را آلترناتیو رژیم اسلامی معرفی کنند. ولی بعید به نظر می‌رسد که ایدهٔ بازگشت سلطنت به ایران از حمایت وسیع توده‌ها برخوردار شود.

نیروهای اپوزیسیون چپ و دموکرات در شرایط فعلی از سویی در پراکندگی به سر برده و چشم‌انداز روشنی نیز برای نزدیکی آنها در کوتاه مدت وجود نداشته و از سوی دیگر فاقد پیوند لازم با جنبش جاری توده‌ها هستند. در چنین شرایطی، محتمل‌ترین روند، از سویی گسترش انفجاری نارضایتیها و بروز شورشهای توده‌ای است و از سوی دیگر، کشمکشهای جناح‌های درونی رژیم همچنان ادامه خواهد یافت. این احتمال ضعیف نیز وجود دارد که در این دوره، جناح خامنه‌ای با یکدست کردن حکومت و سرکوب وسیع، برای یک دورهٔ چند ساله، حکومت دیکتاتوری مذهبی را به زور سرنیزه، بر جامعه حکمفرما کند.

شکل‌گیری یک آلترناتیو که از اعتبار مردمی برخوردار بوده و با طرح برنامه و شعارهای مشخص، مبارزهٔ مردم برای تغییر حکومت اسلامی و شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک را یاری و هدایت نماید، امروز در گرو عواملی است که فعلاً آماده نیستند و تدارک در این راه وظیفهٔ درجه اول اپوزیسیون چپ و دموکرات است.

برنامه ما

برنامه ما در دوره آتی باید پاسخی به نیازهای عاجل جنبش مردم و در راستای تحقق اهداف استراتژیک در مبارزه برای ایرانی آزاد و مبتنی بر نظام اجتماعی عادلانه و دموکراتیک برای همه آحاد آن باشد.

۱ - برای تحقق دموکراسی در ایران، سرنگونی حکومت اسلامی و شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک ناگزیر است. برای این مهم، وظیفه عمده اپوزیسیون تلاش همه جانبه برای ایجاد یک آلترناتیو مورد پذیرش توده‌ها می‌باشد. آلترناتیو می‌تواند به اشکال گوناگون شکل گیرد. از نوعی همگرایی سیاسی و طرح شعارهای واحد از سوی مجموعه نیروهای اپوزیسیون تا شکل‌گیری مجموعه‌هایی از سازمانهای سیاسی که به یکدیگر نزدیکی سیاسی دارند و همگرایی این مجموعه‌های سیاسی تا رسیدن به یک جبهه وسیع که بخش عمده اپوزیسیون را حول یک برنامه مشترک در جهت سرنگونی رژیم و جایگزین کردن آن با یک حکومت دموکراتیک گرد آورد. در شرایط حاضر و با توجه به روانشناسی اپوزیسیون، محتمل‌ترین راه، همگراییهای سیاسی و رسیدن به شعارهای واحدی از سوی مجموعه نیروی اپوزیسیون خواهد بود.

۲ - برای گسترش مبارزات مردم و اثربخشی هرچه بیشتر آن، شکل‌گیری سازمانهای مستقل توده‌ای، سیاسی، صنفی، اجتماعی و فرهنگی از اهمیت درجه اول برخوردار است. در عین حال این تشکلهای خود پایه‌های استقرار و حافظ دموکراسی خواهند بود. دفاع از شکل‌گیری سازمانهای مستقل توده‌ای و تبلیغ وسیع لزوم سازمانیابی تشکلهای مستقل مردمی از وظایف دایمی است.

۳ - بزرگترین مانع تحقق دموکراسی در ایران حکومتی است که دین و حکومت را با یکدیگر تلفیق کرده است. مبارزه برای تغییر حکومت، جدا از خواست جدائی دین از حکومت نیست. تبلیغ جدائی دین از حکومت، کار روی زمینه‌های تئوریک آن و بهره‌گیری از تجربه روزمره مردم و بطور کلی برنامه ما برای جامعه‌ای دموکراتیک، وظیفه پراهمیتی است که ما باید در انجام آن بکوشیم.

۴ - دفاع از مطالبات جنبشهای اجتماعی و توده‌ای و تلاش برای تعمیق و تحقق این خواستها:

- تأمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی اعم از آزادی بیان، عقیده و مرام، آزادی تحزب و تشکل و خواست آزادی مطبوعات و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و مطبوعاتی و لغو کامل سانسور، معرفی آمرین قتل‌های زنجیره‌ای و دیگر قتل‌ها علیه فعالین سیاسی و نویسندگان، و دستگیری و محاکمه آنان، و گشودن پرونده قتل عام و اعدام‌های زندانیان سیاسی و عقیدتی طی دوران حاکمیت جمهوری اسلامی.

- لغو تبعیض اعم از جنسیتی، ملی، مذهبی و قومی.

- دفاع از برابری حقوقی زنان با مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و تأمین موقعیتهای برابر برای زنان.

- تأمین حقوق کودکان و حمایت از آنان در برابر محدودیتهای و تعدیات نسبت به آنها در عرصه‌های مختلف.

- به رسمیت شناختن حق کار و حق حیات و برقراری سیستم تأمین اجتماعی برای همه مردم ایران و به رسمیت شناختن حق تشکل و حق اعتصاب برای کارگران و دیگر اقشار اجتماعی.

- به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران.

- اتخاذ سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر منافع ملی بر اساس به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و احترام به میثاقها و موازین بین‌المللی.

- لغو اعدام و شکنجه، برچیدن محاکم شرعی، لغو احکام شرعی و ممنوعیت قصاص و سنگسار و غیره.